

آموزش عالی به مثابه یک کالای مشترک جهانی

سیمون مارگینسون¹، استاد آموزش عالی بین‌الملل و مدیر مرکز بین‌المللی آموزش عالی جهانی در بحث راهبردی که در موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی پاریس برگزار شد، نظرات قابل‌توجهی در زمینه آموزش عالی به مثابه یک کالای مشترک جهانی ارائه داد.

آموزش عالی طی 40 سال گذشته رشد سریع و فزاینده‌ای داشته است. نرخ ثبت نام در آموزش عالی طی یک دهه دو برابر شده است و از 100 میلیون در سال 2000 به 214 میلیون در سال 2015 رسیده است که فراتر از نرخ رشد جمعیت جهان یا تولید ناخالص داخلی بوده است. متعاقب آن، تامین اعتبار عمومی آموزش عالی با چالش مواجه شده است که به طور فزاینده‌ای فشار مالی زیادی به دانشجویان و خانواده‌های آن‌ها وارد می‌کند. اکنون حدود یک سوم از دانشجویان نهادهای آموزش عالی در جهان در نهادهای خصوصی ثبت نام کرده‌اند.

این وضعیت، ضرورت پاسخ به سوال مهمی را مطرح می‌سازد که چه کسی باید آموزش عالی را تامین اعتبار کند؟ سوالات کلیدی دیگری در مورد اینکه چه کسانی از منافع آموزش عالی بهره‌مند می‌شوند و آیا آموزش عالی بیشتر یک کالای خصوصی یا دولتی است؟ نیز مطرح می‌شود. پروفسور مارگینسون معتقد است: شواهد پژوهشی قوی وجود دارد که افراد از منافع آموزش عالی بهره‌مند می‌شوند. اما سنجش و ارزیابی منافع جمعی - اقتصادی، اجتماعی یا آموزشی آموزش عالی بسیار دشوار است. مارگینسون در مورد منافع جمعی آموزش عالی صحبت می‌کند و دیدگاه‌های مربوط به هر دو جنبه، آموزش عالی به عنوان یک کالای مشترک² و کالای عمومی³ را تحلیل می‌کند. در ارتباط با آموزش عالی به عنوان یک "کالای مشترک"، او معتقد است، رویکرد مفیدتر آن است که منافع آموزش عالی را برای جامعه و اجتماع بین‌المللی در نظر بگیریم.

موضوع اصلی در مورد "کالای مشترک" نیست، بلکه "کالای عمومی" مورد نظر است. مارگینسون اشاره می‌کند کالای عمومی در نظریه اقتصادی به عنوان چیز غیر رقابتی (یعنی می‌تواند بدون به اتمام رسیدن مصرف شود) و فراگیر (یعنی هیچ کس نمی‌تواند از مصرف آن محروم شود) تعریف شده است. در مواردی که کالاهای عمومی مانند انواع مشخصی از پژوهش، در بازارهای اقتصادی انجام شده باشند، سرمایه‌گذاری اقتصادی در آنها، از این جنبه که برای رفاه عمومی کل مردم مناسب هستند، مورد تایید قرار گرفته است.

مارگینسون توضیح می‌دهد که برخی از کالاهای دیگر ممکن است کالای خصوصی یا عمومی پنداشته شوند. برای مثال موقعیت‌های آموزشی و جایگاه دانشجویان به این بستگی دارد که آیا دسترسی به آموزش عالی در یک نظام رقابتی و یا قشربندی شده است که منافع متفاوتی را به دانشجویان عرضه می‌کند. این قبیل کالاهای می‌توانند توسط بخش دولتی یا غیردولتی تولید شده باشند که آن هم برداشت متفاوت و دیگری از مفهوم "عمومی" است. مارگینسون برای توضیح در باره روش‌های مختلف درک کالاهای آموزشی در چارچوب‌های متفاوت، نموداری با چهار ربع دایره طراحی می‌کند که چهار

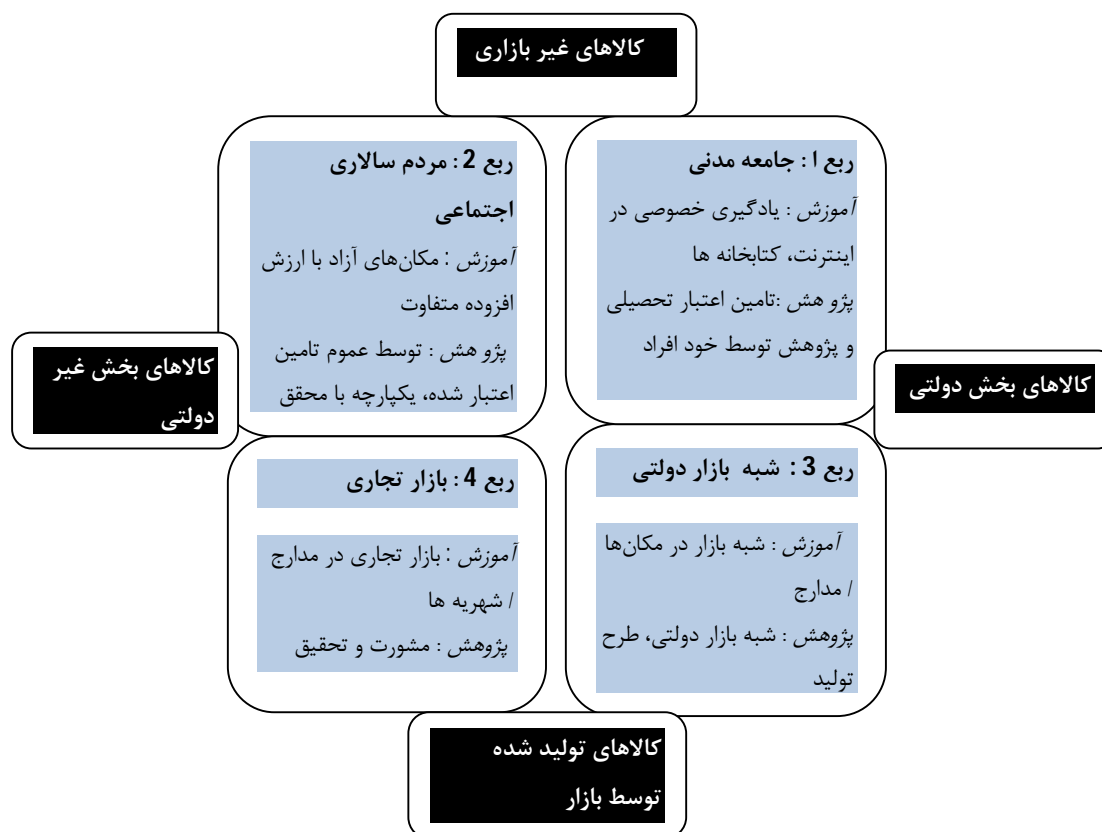
1 . Simon Marginson

2 . Common goods

3 . Public goods

وضعیت متفاوت، با دو حد را نشان می دهد (آموزش عالی به عنوان یک بازار تجاری و آموزش عالی به عنوان مردم سالاری اجتماعی).

کالاهای خصوصی یا عمومی: چهار اقتصاد سیاسی آموزش عالی



نهادهای آموزش عالی در بسیاری از کشورها، با قرار دادن نهادهای الیت در راس، مشروط به اینکه فارغ التحصیلانی با منافع فردی بر حسب مشاغل و دستمزدهای مختلف که در قشر بندی اجتماعی موثر هستند، تربیت کنند، سلسله مراتبی از فرصت ها را ایجاد کرده اند. مارگینستون شکل دیگری برای این مدل پیشنهاد می کند که در آن آموزش عالی به عنوان یک کالای مشترک در نظر گرفته شده است و تا آنجا که ممکن است فرصت برابری در منافع، در یک جامعه حقوق محورتر، مساوات طلب و منسجم فراهم می کند. این مطلب بدان معنی نیست که الزاما همه نهادهای آموزش عالی باید به طور عمومی تشکیل یا تامین اعتبار شوند. اما نهادهای خصوصی نیز برای تضمین اینکه به اهداف دولتی آموزش عالی کمک کنند، باید نظم داده شوند.

کشورهای سراسر جهان، آموزش عالی خود را در چارچوب مفاهیم و سنت های متفاوت عمومی و مشترک سازماندهی می کنند. مارگینسون مثالی از جمهوری کره ارائه می دهد که در آن، آموزش عالی در سطح گسترده ای از طریق خصوصی تامین اعتبار شده، اما به دقت نظم داده شده است.

مارگینسون این بحث را چنین نتیجه‌گیری می‌کند که نیازهای آموزش عالی باید به مثابه یک کالای مشترک جهانی در نظر گرفته شود. در چارچوب افزایش جهانی شدن، نهادهای آموزش عالی فراتر از مرزهای ملی تعامل دارند و تبدیل به فضاهای شبکه‌ای برای یادگیری و پژوهش آزاد شده‌اند. با این وجود، هیچ دولت جهانی برای به حداکثر رسانیدن عدالت توزیع شده و تضمین اینکه واقعا یک کالای مشترک جهانی تولید شده است، وجود ندارد. این امر، زمینه مناسبی برای اقدام سازمان‌های بین‌المللی است که تا جایی که بودجه و موقعیت آنها اجازه می‌دهد، این نقش را بر عهده گیرند.

همچنین در این بحث راهبردی، میشل مارتین متخصص برنامه از موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی یونسکو اشاره کرد که اکنون با رشد سرمایه‌گذاری خصوصی در آموزش عالی، موانع بین آموزش عالی دولتی و خصوصی به طور فزاینده‌ای مبهم و نامشخص است، لازم است که به طور شفاف تری منافع اقتصادی، اجتماعی و آموزشی آموزش عالی را که شامل هر دو جنبه فردی و اجتماعی است، تعیین و اندازه‌گیری کنیم. منافع آموزشی آموزش عالی برای دانشجویان نباید مورد غفلت قرار گیرد. تجارب آموزش عالی دانشجویان، نه فقط برای اینکه چشم انداز اشتغال آنها را بهبود می‌بخشد، بلکه از این نظر که به پیشرفت فردی و علمی آنها کمک می‌کند، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است.

مارتین افزود: اکنون دستور کار جهانی آموزش یونسکو، کشورها را به تدارک دسترسی برابر همه زنان و مردان به آموزش فنی و حرفه‌ای مناسب از جمله دانشگاه ترغیب می‌کند که ارتباط نزدیکی با مفهوم آموزش عالی به عنوان یک کالای عمومی جهانی دارد. موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی یونسکو تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام داده است که راهنمای خوبی برای کشورهای در حال توسعه در این خصوص است.

ترجمه و تلخیص دکتر محدثه محب حسینی

مدیر گروه آموزش کمیسیون ملی یونسکو